

اندیشمندی از نسل سادات رضوی

امید حسینی نژاد



«لله الحمد، که توفیق عنایت فرمود تا راه و روش نیاکان خود را در پیش گیرم و تدریس و تعلیم فرزندان کشور را پیشه سازم و تمامی عمر را به مطالعه کتب و نشر آثار بزرگان گذشته صرف نمایم و خدمت پرافتخار معلمی را به دست آورم.» این سخنان دانشی مرد بزرگی است که همه عمر خود را صرف پژوهش در میراث اسلامی ایرانی و تربیت شاگردان کرد. استاد محمدتقی مدرس رضوی از افتخارات بزرگ شهر مشهد مقدس است. خاندان او همه اهل علم و ادب و از سادات رضوی بودند.

استاد سید محمدتقی مدرس رضوی در شب سه‌شنبه دوم شوال سال ۱۳۱۳ قمری برابر با ۲۸ اسفند سال ۱۲۷۴ خورشیدی در مشهد مقدس زاده شد. او در سایه تربیت پدری دانشمند پرورش یافت و از انقاس او بهره‌گرفت و از آن کانون دانش و تقوا و فضیلت پر آمد و با لیلد.

پدر ایشان که حتی دختران خود را در آن دوران به کسب دانش وادار کرده بود، به پرورش و آموزش پسر خویش علاقه خاص نشان داد و او را از پنج سالگی به مکتب فرستاد و میرزا احمد تقی قرآن کریم و «صدکلمه مولای متقیان» و «ترجمه آن را در مکتب آموخت و صرف و صرف و نحو را از کتاب «جامع المقدمات» فرا گرفت.

در آن موقع، در مشهد به همت چند تن از دانش دوستان و علاقمندان به راج علوم

و فنون جدید، چهار مدرسه‌گشایش یافت که چندان مورد اقبال عامه

مردم و علما و مقدسان قرار نگرفت

و آن ها خیلی کم فرزندان خود را

به این مدارس می فرستادند.

اما والد بزرگوار و دانشمند و

بینا دل استاد مدرس رضوی،

فرزند را به یکی از این مدارس

که «رحیمیه» نام داشت، برد و

به مدیر آنجا سپرد.

سید محمد تقی چون پیش از این، فارسی و عربی را آموخته بود در کلاس چهارم دبستان پذیرفته شد و در اندک مدتی به کلاس پنجم و ششم ارتقا یافت و تا کلاس هفتم که کلاس عالی مدرسه بود، رسید و چون معلمی و تدریس را به ارث برده و دروس را خوب فرا گرفته بود، آن زمان که در کلاس ششم بود، به شاگردان کلاس سوم حساب و فارسی و نحو و صرف درس می داد.

در این مدارس، بیشتر دروس ادبی تدریس می شد و معلمانی فاضل و ادیب داشت، مانند فضل... بدایع نگار و سید حسین ادیب بجنودی و آقا شیخ حسن ادیب هروی که همه از محققان و ادیبان بنام و دارای تألیف و تصنیف بودند.

محمد تقی پس از مدتی به درس ادیب نیشابوری وارد شد. آن زمان چراغ ادبیات عربی و فارسی به همت او روشن بود و محمد تقی یکی از شاگردان حلقه درسی ادیب شد. در آن روزگار که علوم ادبی به پرتو وجود امثال ادیب نیشابوری روشن بود و علوم دینی بزرگانی



داشت، علوم ریاضی، مدرسی متبحرو دانشمندی علامه چون میرزا عبدالرحمن مدرس داشت، که علاوه بر استادی ریاضیات، در ادب و حکمت و فقه و کلام از سر آمدان و معاریف به شمار می رفت، محمد تقی نیز مدتی در درس او حاضر شد. استاد مدرس رضوی پس از اینکه از سرچشمه ادب و ریاضیات سیراب شد، روی به آموختن علم دین آورد و نزد پدر خود، «شرح لمعه» در فقه و قوانین را در اصول فرا گرفت و به اصطلاح طلاب، برای درس خارج فقه و اصول در محضر حاج آقا حسین قمی و آقا میرزا محمد آقا زاده خراسانی حاضر شد و از محضر آن ها استفاده کرد.

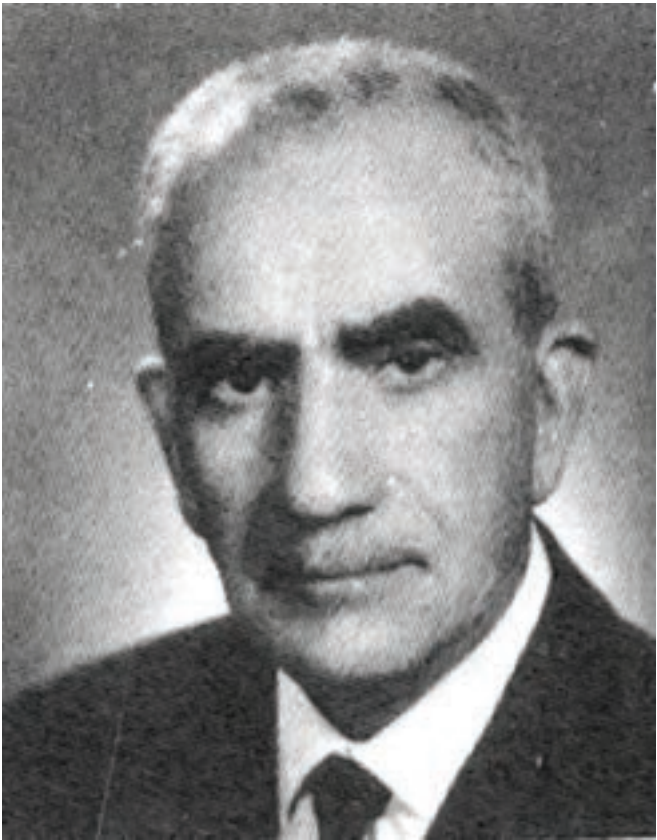
● محمدتقی در جایگاه مدرس آستان قدس

پس از درگذشت پدر، منصب تدریس آستانه به ایشان محول شد و ایشان تدریس رشته هایی را که آموخته بود، به عهده گرفت و چندی بعد، از طرف سید محمدتدین، مأمور تدریس در مدرسه دانش «مشهد شد. دانش که نخستین مدرسه متوسطه مشهد بود، از سال ۱۳۱۰ خورشیدی به تهران منتقل شد. آن سال مدرسه عالی «سپهسالار» به وزارت فرهنگ و گوا گذار شد

و استاد مدرس رضوی به تهران رفت و به سمت معلم و ناظم آن مدرسه منصوب شد. وی در مدارس «دارالفنون» و «علمیه» و «شرافت» و «معرفت» نیز زبان فارسی تدریس می کرد. سید محمد تقی در بهمن سال ۱۳۵۵ از طرف دانشگاه تهران منشور استاد ممتاز را دریافت کرد.

از بزرگ ترین کارهای شادروان مدرس رضوی، تألیف کتابی درباره زندگی نامه خواجه نصیرالدین است با عنوان «احوال و آثار قدوه المحققین و سلطان حکما و متکلمین، استاد

بشر و عقل حادی عشر ابو جعفر محمد بن محمد بن الحسن الطوسی ملقب به نصیرالدین»، که اول بار در سال ۱۳۵۴ از سوی بنیاد فرهنگ ایران در ۷۲۲ صفحه در قطع وزیری انتشار یافت. این کتاب نه تنها زندگی نامه یک دانشمند معروف، بلکه گزارشی است مبسوط از اوضاع و احوال فرهنگی ایران در سده هفتم هجری، شامل زندگی نامه خواجه، معرفی استادان، همکاران، دستیاران، شاگردان و فرزندان او، معاصران معروف شامل دانشمندان، خلفا، امرا و شاهان، اوضاع و احوال اسماعیلیه در ارتباط با خواجه، رصدخانه مراغه، آثار و مکاتبات خواجه و حکایت های مربوط به او. «میزان الحکمه»، از ابوالفتح عبدالرحمان خازنی (ح ۴۷۵ - ۵۲۵) اخترشناس و مکانیک دان ایرانی براساس ترجمه



فارسی آن، از مترجمی ناشناس در حدود سده های ۶ و ۷ هجری قمری است. این کتاب که درباره سازوکار نوعی ترازوی دقیق برای سنجش عیار جوهرات است، معرف اوج تکامل سنتی است که تا سده هفدهم میلادی دست نخورده باقی ماند. مدرس رضوی این کتاب را تصحیح و با مقدمه و تعلیقات در سال ۱۳۴۶ توسط بنیاد فرهنگ ایران منتشر کرد. «آثار علوی یا کائنات جو» از ابوحاتم مظفر اسفزاری (وفات ۵۱۵ ه‍.ق) اخترشناس، ریاضی دان و فیزیک دان ایرانی، در موضوع هوشناسی، دیگر کتابی است که مدرس رضوی اول بار آن را در سال ۱۳۱۹ توسط شرکت طبع کتاب منتشر کرد و بعدها در سال ۱۳۵۶ از سوی بنیاد فرهنگ ایران تجدید چاپ شد.



محمدباقر رضوی، مدرس اول آستان قدس



تألیف و تدریس در آستان قدس رضوی از طرح های علمی بود که به منظور اشاعه فرهنگ اسلامی و ترویج مبانی فکری ائمه معصوم، قرن ها دوام داشته است. بر اساس این سنت سعی می شد آستان قدس رضوی، به یک مرکز علمی شیعی تبدیل شود و کانون نشر افکار بلند امامان معصوم باشد، به این منظور علما و دانشوران مؤمن شیعه برای بهره گیری از فضای قدسی حرم، در رواق های آن سکونت می یافتند و به تألیف و تدریس و تزکیه می پرداختند.

بر اساس این سنت، یکی از بهترین استادان حوزه به عنوان مدرس اول آستانه برگزیده شده و طی ابلاغ رسمی تولیت، از ایشان برای تدریس دعوت می شد. تولیت با تأمین هزینه زندگی

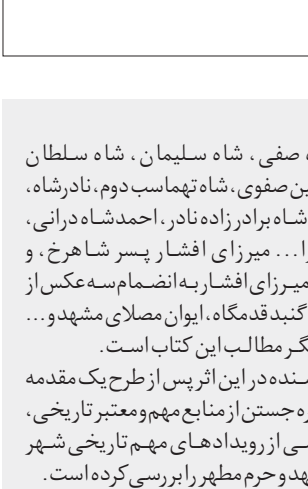
مدرسان و مؤلفان، در عمل، بنیه علمی جویندگان تشنه کام علوم به خصوص علوم قرآنی را تقویت می کرد.

محمدباقر مدرس رضوی، پدر استاد، یکی از مدرسان برجسته حرم امام رضا^(ع) بود. این منصب از زمان نادرشاه افشار در این خاندان از پدر به پسر به ارث رسیده و در سال ۱۲۹۹ قمری بعد از میرزا محمد علی رضوی به مرحوم میرزا محمدباقر رضوی، برادرزاده اش، منتقل شده و میرزا محمدباقر پدر بزرگوار استاد مدرس رضوی است. نخستین بار در سفرنامه «افضل الملک» المعی کرمانی از میرزا محمدباقر به عنوان مدرس آستانه یاد شده است: «... خزانه الادب، خلاصه زمانه، مدرس آستانه، ثمر شجر بوستان مرتضوی آقا سیدباقر الرضوی سلمه....» اما نسبت «رضوی» به مناسبت انتساب به حضرت رضا^(ع) است که انساب این سلسله در کتاب «شجره طیبه» تألیف

میرزا محمد باقر مدرس رضوی آمده و این کتاب با اضافات و تعلیقات به کوشش استاد محمدتقی مدرس رضوی به چاپ رسیده است.

پدر بزرگوار و دانشمند استاد، یعنی مرحوم میرزا محمدباقر رضوی، در شب هفدهم ربیع المولود ۱۲۷۰ قمری به دنیا آمد و با پند اندهم ذی حجه سال ۱۳۴۲ قمری درگذشت و زیر در حرم در مدخل دارالسیاده به خاک سپرده شد. برخی از بزرگان علما و شعرا و شاگردانش در باره او مرثیه هایی گفته اند، از جمله مرحوم استاد بدیع الزمان فروزانفر قطعه ای در رثای او ساخته که مطلعش این است: «قلب دانش محمدباقر ابار بر بست از این جهان و بمرد.»

محمدباقر علاوه بر کار تدریس در امور اجتماعی نیز دستی داشت و از طرف علمای خراسان به نمایندگی انجمن ایالتی برگزیده شد. در مدت دوسالی



نکات برجسته ای را درباره تاریخ این شهر گردآوری کرده است. نخستین گزارش این کتاب مربوط به سال ۴۶۴ و زیارت «مشهد امام رضا^(ع)» توسط آلپ ارسلان پس از فتح خوارزم است و آخرین مطلب به اتفاقات سال ۱۳۴۳ هجری قمری در مشهد اشاره دارد.

تصویر و متن حروف چینی شده ۱۶ سند تاریخی با توضیحات مرحوم مدرس رضوی از فرمان های عبید... خان از یک شاه تهماسب صفوی، شاه عباس بزرگ، شاه عباس دوم،

مروری بر وضعیت خراسان در دوران صفویه

مشهد، مهد هنر و ادب ایران زمین



محسن موسوی زاده

باروی کار آمدن صفویه در سال ۹۰۷ هجری قمری، ایران دچار تحولات بسیاری در حوزه های فرهنگی و اجتماعی شد. بررسی های تاریخی نشان می دهد که در سال های ابتدایی صفویه که ایجاد وحدت سرزمینی و دفع خطرات دشمنان خارجی، مهم ترین اولویت حکومت تازه مستقر شده بود، موضوع ادب و فرهنگ مورد توجه قرار گرفت. همین مسئله سبب شد از اواسط حکومت شاه اسماعیل، جذب نخبگان دیوانی که پیش از این در خدمت حکومت های محلی بودند در دستور کار قرار بگیرد. دیری نپایید که دربار صفویه، محلی برای فعالیت افرادی شد که پیش از این، نسل در نسل در حوزه دیوانی فعالیت داشتند و سرآمدین حوزه در روزگار خود بودند. همچنین علاقه شاه اسماعیل و جانشین او شاه تهماسب، سبب شد حوزه فرهنگ نیز مورد توجه قرار بگیرد. در این میان، یکی از رویدادهایی که در دوران شاه تهماسب اتفاق افتاد، انتصاب سلطان ابراهیم میرزا (۹۴۶-۹۸۴ هجری قمری) نوه شاه اسماعیل است. او از سال ۹۶۳ قمری از طرف شاه تهماسب فرمانروایی ولایت مشهد را تا پایان عمر عهده دار بود. سلطان ابراهیم میرزا بعد از انتصاب به عنوان حاکم مشهد به دلیل علاقه ای که به فرهنگ و ادب داشت، کتابخانه این شهر را به صورت محلی برای تجمع هنرمندان گوناگون درآورد. خود او نیز از طبع هنری خالی نبود و روایت است که شعر هم می سرود.

تنها اثر باقی مانده از او، دیوان شعری است که در کتابخانه کاخ گلستان به شماره ۲۱۸۳ و به شماره ردیف ۱۳۹ در صفحات ۳۳۷ تا ۳۴۰ جلد اول، بخش دیوان، با عنوان «دیوان جاهی» (تخلص شاعر) ثبت و معرفی شده است. در برخی از منابع تعداد ابیات دیوان او را ۲ هزار بیت دانسته اند. در دوران حکومت او، مشهد یکی از مهم ترین پایگاه های هنری و فرهنگی ایران بود. آن چنان که دربار سلطان ابراهیم میرزا به محلی برای فعالیت نسلی از خوش نویسان و تذهیب کاران مانند آقامیرک، مظفرعلی و همچنین افرادی مانند رستم علی، محب علی و سلطان محمود نیشابوری تبدیل شد.

آقامیرک از نگارگران صاحب نام مکتب تبریز دوم بود. او از جمله شاگردان میر مصور بود و گفته می شود شاگرد کمال الدین بهزاد نیز بوده است. آقامیرک در طبیعت پردازی و طراحی حیوانات به ویژه اسب ها بسیار مهارت داشت. خواجه عبد الصمد شیرین قلم از شاگردان او است. او در کتابت نیز دست داشت و اغلب خطوط نستعلیق و ثلث نقاشی هایش را خودش می نوشت.

● مشهد و خطاطان

سلطان محمود نیشابوری ملقب به «زین قلم» حدود سال ۹۰۰ هجری قمری در نیشابور دیده به جهان گشود و اصول خوش نویسی را نزد دایبی خود، عبدی نیشابوری، سپس سلطان محمد خندان آموخت. اگر چه نخستین آثار تاریخ دار وی به سال ۹۲۳ قمری و دوره شاه اسماعیل اول مربوط است، به گمان، در جوانی وارد دربار شاه تهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ قمری) شده است. وی پس از مدتی که در تبریز به سر می برد، در سال های نزدیک به زمانی که پایتخت از تبریز به قزوین منتقل شد، به مشهد مهاجرت کرد و تا پایان عمر در آنجا به کتابت نستعلیق سرگرم شد. از مهم ترین آثار وی، کتابت نخستین قرآن به خط نستعلیق است که اکنون در موزه توپکاپی استانبول قرار دارد و همچنین خمسه تهماسبی در موزه بریتانیا نگهداری می شود.

مظفرعلی از نقاشان معروف و خواهرزاده استاد بهزاد است که در خدمت او کسب این هنر نمود و به مرتبه کمال ترقی رسید. پدر مظفرعلی، حیدر علی، اهل تربت بود، به همین دلیل نام این استاد هنرمند را مورخین «تربتی» نوشته اند. مظفرعلی نزد شاه تهماسب محترم بود، و تصاویر عمارت دولتخانه و چهل ستون این پادشاه در قزوین از آثار او است.

در دوران حکومت سلطان ابراهیم میرزا، خطاطان ناموری از جمله مالک دیلمی، عیسی بن عسرتی و محمد خندان، برای تقویت فضای فرهنگی به مشهد فرا خوانده شدند. در این مقطع، پدر قاضی احمد قمی، میرمنشی که نخست در دیوان اعلای قزوین کار می کرد، به مشهد آمد و این خانواده در دربار ابراهیم میرزا منشأ خدمات فراوانی شدند. مالک دیلمی قزوینی، برجسته ترین هنرمند خاندان دیلمی در قزوین، در انواع خطوط متعارف در آن روزگار استاد و سرآمد بود، خوش نویسی که در کتابت قرآن تحریر داشت و خطوط قرآنی وی بر سر در بناها و کاخ ها و عمارت های دولتخانه صفوی قزوین و باغ سعادت آباد نقش بسته است. سلطان محمد خندان از خوش نویسان بزرگ دربار سلطان حسین یاقراست که از همان اوان جوانی در خدمت امیرعلی شیر نوایی بود و عمر خویش را در هرات گذراند.

قاضی احمد بن شرف الدین حسین حسینی منشی قمی، مشهور به احمد منشی قمی، از تاریخ نگاران و نویسندگان سده دهم خورشیدی (هم عصر با شاه تهماسب یکم تا شاه عباس یکم صفوی) است. مشهورترین اثر وی کتاب خلاصه التواریخ درباره تاریخ دوره صفویه از روزگار شیخ صفی الدین اردبیلی (نیمه اول سده هشتم قمری تا نخستین سال های پادشاهی شاه عباس یکم) (اواخر سده ۱۰ هجری قمری) است. قاضی احمد قمی در یازده سالگی به همراه پدرش به مشهد آمد و سال های کودکی و نوجوانی وی تحت تأثیر پدری همچون میرمنشی و حمایت ابراهیم میرزا، حاکم مشهد، سپری شد و در خدمت عالمان و نویسندگان و هنرمندان نامدار آن دیار به فراگیری علوم و هنرهای گوناگون پرداخت.

شهریار

۳۳ شنبه
۲۸ خرداد ۱۳۹۱
شماره ۳۷۱۵

۱۵



تاریخ و هویت